

از کتاب (گلزمین وفا) مجموعه اشعار  
شادروان استاد سید محمد " دروگر "

\*\*\*\*

شبرغان 1388

بار غم

درگرفتم ، سوختم دیدار نیست  
راز دل را محرم اسرار نیست

سربه زانو خلوت غم ، جای من  
بار غم را غم شریک و یار نیست

درد مهجوری توان از کف ربود  
مثل من آشفته حال و زار نیست

دوش رفتی از برم دل خونگریست  
نظم و ترتیبی مرا در کار نیست

شد " دروگر " را مسلم این سخن  
دوستی بالاتر از دیدار نیست

-----  
ارسالی : عزیز فاریابی